



پیش‌ها و پاسخ‌ها

کد پرسش: ۳۹۹

احکام
احکام حج، عمره و زیارت

پرسش کننده:
عاطفه وفا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره پرسش: ۹

تاریخ پرسش: ۱۳۹۷/۵/۲۱

در صورت امکان، موارد اختلافی بین مذاهب در واجبات و محرمات حج را بفرمایید. همچنین، بفرمایید که آیا نماز در مسجد الحرام شکسته است یا کامل؟

پاسخ به پرسش شماره: ۹

تاریخ پاسخ به پرسش: ۱۳۹۷/۵/۲۴

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. موارد اختلافی میان مذاهب اسلامی درباره‌ی احکام حج بسیار است و إحصاء همه‌ی آن‌ها از حوصله‌ی این پاسخ بیرون است، ولی می‌توان از باب نمونه به چند مورد از آن‌ها اشاره کرد:

1. استطاعت حج

شرط وجوب حج، وجود استطاعت برای آن است؛ چراکه خداوند فرموده است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران / ۹۷)؛ «و برای خداوند بر عهده‌ی مردم حج خانه است هر کس که استطاعت راه یافتن به آن را دارد»، ولی درباره‌ی ماهیت استطاعت برای آن میان مذاهب اسلامی اختلاف است؛ به این ترتیب که کسانی از شیعه و شافعیه بقاء مال یا پشتوانه‌ی کافی برای گذران زندگی پس از بازگشتن از حج را در تحقق استطاعت حج شرط دانسته‌اند، ولی دیگران از چنین شرطی یاد نکرده‌اند و وجود زاد و راحله (ره‌توشه و وسیله‌ی نقلیه) را برای تحقق استطاعت حج کافی دانسته‌اند؛ زیرا کسی که از این دو برخوردار است «استطاعت راه یافتن به آن را دارد» و تبعاً به موجب آیه مکلف به حج است، اگرچه مال یا پشتوانه‌ی کافی برای گذران زندگی پس از بازگشتن از حج را نداشته باشد، ولی حق آن است که بقاء مال یا پشتوانه‌ی کافی برای گذران زندگی پس از بازگشتن از حج، به موجب آیه‌ی دیگری شرط است؛ آیه‌ای که می‌فرماید: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (بقره / ۱۹۵)؛ «و در راه خداوند هزینه کنید ولی خودتان را با دستانتان به هلاکت نیندازید» و با این وصف، جایز نیست که انسان هر چه دارد را برای حج بدهد، به نحوی که

مال یا پشتوانه‌ی کافی برای گذران زندگی خود و افراد واجب‌النّفقه‌اش باقی نماند و در تنگنا بیفتد؛ چراکه خداوند فرموده است: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾ (مائده/ ۶)؛ «خداوند نمی‌خواهد که بر شما تنگنایی قرار دهد».

۲. إحرام قبل از میقات

درباره‌ی إحرام قبل از میقات میان مذاهب اسلامی اختلاف است؛ به این ترتیب که شیعه آن را جایز ندانسته است و مالکیّه و شافعیّه آن را مکروه دانسته‌اند و حنفیّه آن را افضل دانسته است و تردیدی نیست که نظر شیعه به احتیاط نزدیک‌تر است؛ زیرا درباره‌ی انعقاد إحرام در میقات میان مذاهب اسلامی اختلافی نیست، ولی درباره‌ی انعقاد آن قبل از میقات میان آنها اختلاف است و با این وصف، هر کس در میقات إحرام بندد، به قدر متیقّن أخذ کرده؛ خصوصاً با توجه به اینکه مسلم است پیامبر قبل از میقات إحرام نبسته است.

۳. وقوف در مشعر الحرام

درباره‌ی وقوف در مشعر الحرام میان مذاهب اسلامی اختلاف است؛ به این ترتیب که شیعه آن را رکنی از ارکان حج دانسته؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است: ﴿فَإِذَا أَقْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾ (بقره/ ۱۹۸)؛ «پس چون از عرفات بازگشتید خداوند را نزد مشعر الحرام یاد کنید» و به دلیل روایاتی از اهل بیت که نرسیدن به مشعر الحرام را مبطل حج دانسته‌اند (بنگرید به: کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۷۶؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۶؛ طوسی، الإستبصار، ج ۲، ص ۳۰۳)، ولی سایر مذاهب اسلامی آن را مستحب یا حداکثر واجب دانسته‌اند؛ چراکه خداوند به وقوف در مشعر الحرام امر نکرده، بلکه به ذکر خود در آن امر کرده و آن بدون وقوف نیز ممکن است و با این وصف، اگر کسی پس از بازگشتن از عرفات خداوند را در مشعر الحرام یاد کرده باشد، حجّ او صحیح است، اگرچه در آن وقوف نکرده باشد و این به حق نزدیک‌تر است و روایاتی از اهل بیت نیز آن را تأیید می‌کنند و با این وصف، می‌توان گفت که آنچه رکن حج محسوب می‌شود، یاد کردن خداوند در مشعر الحرام است و وقوف در آن سنّت محسوب می‌شود و این عکس پندار شیعه است؛ زیرا شیعه می‌پندارد که وقوف در مشعر الحرام رکن حج و یاد کردن خداوند در آن سنّت است، در حالی که خداوند صریحاً به یاد کردن خود در آن امر کرده است، نه به وقوف در آن و یاد کردن او در آن می‌تواند با نماز مغرب یا عشاء یا صبح در آن پس از بازگشتن از عرفات یا حتّی با دعا در حین عبور از آن

به سوی منا انجام شود؛ چنانکه در روایت عروة بن مضرس طائی آمده است: «أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمَوْقِفِ - يَعْنِي بِجَمْعٍ - فَقُلْتُ: حَيْثُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ جَبَلِ طَيْءٍ، أَكَلَلْتُ مَطِيئَتِي وَأَتَعَبْتُ نَفْسِي، وَاللَّهِ مَا تَرَكْتُ مِنْ جَبَلٍ إِلَّا وَقَفْتُ عَلَيْهِ، فَهَلْ لِي مِنْ حَجٍّ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَدْرَكَ مَعَنَا هَذِهِ الصَّلَاةَ وَأَتَى عَرَفَاتٍ قَبْلَ ذَلِكَ لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ وَقَضَى تَفَنَّهُ» (مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۶۱؛ سنن أبی داود، ج ۱، ص ۴۳۶)؛ «در موقف - یعنی جمع (مشعر الحرام) - به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدم، پس گفتم: از کوه طئیء آمدم ای رسول خدا! مرکبم را خسته کردم و خودم را به سختی انداختم و به خدا سوگند هیچ کوهی را نگذاشتم مگر اینکه بر آن وقوف کردم! پس آیا برای من حجی هست؟! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس با ما به این نماز رسیده و پیش از آن در شب یا روز به عرفات آمده، حجش کامل شده و آلودگی‌اش را پاک کرده است» و در روایت محمد بن حکیم آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ الْأَعْجَمِيُّ وَالْمَرْأَةُ الضَّعِيفَةُ يَكُونَانِ مَعَ الْجَمَّالِ الْأَعْرَابِيِّ، فَإِذَا أَفَاضَ بِهِمْ مِنْ عَرَفَاتٍ مَرَّ بِهِمْ كَمَا مَرَّ بِهِمْ إِلَى مِنَى وَلَمْ يَنْزِلْ بِهِمْ جَمْعًا، فَقَالَ: أَلَيْسَ قَدْ صَلَّوْا بِهَا فَقَدْ أَجَزَهُمْ قُلْتُ: وَإِنْ لَمْ يُصَلُّوا بِهَا؟ قَالَ: ذَكَرُوا اللَّهَ فِيهَا فَإِنْ كَانُوا ذَكَرُوا اللَّهَ فِيهَا فَقَدْ أَجَزَهُمْ» (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۷۲؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ طوسی، الإستبصار، ج ۲، ص ۳۰۶)؛ «به ابو عبد الله (امام جعفر صادق) علیه السلام گفتم: مرد غیر عرب و زن ناتوان به همراه شتربان اعرابی هستند، پس چون آنان را از عرفات بر می‌گرداند یکسره به منا می‌برد و در جمع (یعنی مشعر الحرام) فرود نمی‌آورد، پس فرمود: آیا نه این است که در آن نماز گزارده‌اند؟ پس آنان را کفایت کرده است، گفتم: اگر در آن نماز نگزارده باشند؟ فرمود: خداوند را در آن یاد کرده‌اند، پس اگر خداوند را در آن یاد کرده باشند، آنان را کفایت کرده است».

۴. فوت شدن وقوف در عرفات

شیعه با استناد به خبری واحد از اهل بیت معتقد است که اگر کسی پیش از بازگشتن مردم، به عرفات نرسد، ولی به مشعر الحرام برسد، برای او کافی است و حج او صحیح است، ولی سایر مذاهب اسلامی چنین نظری ندارند و حق با آنهاست؛ چراکه خداوند یاد کردن خود در مشعر الحرام را بعد از بازگشتن از عرفات واجب کرده و این به معنای آن است که بودن در عرفات پیش از یاد کردن او در مشعر الحرام واجب است، بلکه رکن محسوب می‌شود؛ خصوصاً با توجه به روایت مشهور از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود:

«الحجَّ عَرَفَةَ» (مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۰۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۰۳؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۸۸؛ سنن النسائی، ج ۵، ص ۲۵۶)؛ «حجَّ عرفه است».

۵. طواف دوم

درباره‌ی طواف دوم پس از طواف زیارت، میان مذاهب اسلامی اختلاف است؛ به این ترتیب که شیعه آن را با نام «طواف نساء» واجب و موجب حلال شدن زنان بر شوهرانشان دانسته و حنفیه آن را با نام «طواف صدر» واجب، ولی طواف زیارت را برای حلال شدن زنان بر شوهرانشان کافی دانسته و یکی از دو قول شافعی نیز مانند قول حنفیه است و دیگران آن را واجب ندانسته‌اند. تفصیل این مسأله، در پرسش و پاسخ ۲۲۲ آمده است.

ب. بنا بر روایات متواتر اسلامی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، ابو بکر نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، عمر نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، عثمان نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند، تا آنکه پس از مدتی این کار را ترک کرد و نماز خود را در مکه کامل خواند و از این رو، مورد اعتراض شدید صحابه قرار گرفت (بنگرید به: مسند الطیالسی، ص ۱۱۵؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۵۱۶؛ مسند الشافعی، ص ۵۶؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۳۷۸ و ج ۲، ص ۱۶ و ۱۴۰ و ج ۳، ص ۱۴۴ و ج ۴، ص ۴۳۰؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۳۵۴؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۳۵؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۴۶؛ سنن أبی داود، ج ۱، ص ۴۳۸؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۸۳؛ سنن النسائی، ج ۳، ص ۱۲۰) و یکی از کسانی که به این سبب بر او اعتراض کردند علی بن ابی طالب بود (بنگرید به: طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۳۲۲؛ ابن حزم، المحلی، ج ۴، ص ۲۷۰). با این وصف، نمی‌توان کامل خواندن نماز در مکه برای مسافر را سنت دانست، اگرچه روایاتی متعارض از اهل بیت درباره‌ی جواز آن رسیده است (بنگرید به: طوسی، الاستبصار، ج ۲، ص ۳۳۱).

دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی
بخش باکتابی - پرسش



پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه گوگل پلاس پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.